





سرشناسه: فقیهی، علی نقی، ۱۳۳۵ -
 عنوان و نام پدیدآور: ارتباط نیکو زیر یک سقف/ نویسنده علی نقی فقیهی.
 مشخصات نشر: مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات، ۱۳۹۱.
 فروست: رهنما؛ ۶۰.
 شابک: 978-600-6543-52-9
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 یادداشت: کتابنامه .
 موضوع: زناشویی -- روابط
 شناسه افزوده: آستان قدس رضوی .معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
 رده بندی کنگره: HQ۱۳۹۱۷۴۳ ۴الف۷۴ف/
 رده بندی دیویی: ۸۱/۳۰۶
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۲۸۳۹۴



۶۰ → ارتباط نیکو زیر یک سقف

نویسنده: علی نقی فقیهی
 آستان قدس رضوی
 چاپ هشتم: پاییز ۱۳۹۱ (ویرایش جدید)
 معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
 نشانی: حرم مطهر امام رضا (علیه السلام)، اداره پاسخ گویی به سؤالات دینی
 تلفن: ۰۵۱۱-۳۲۰۲۰ دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲ rahnama@aqrazavi.org

به کوشش محمدحسین پورامینی
 ویراستار: محمد مهدی باقری
 طراح لوگوی رهنما: مسعود نجابتی
 طراح جلد: علی بیات





↪ رسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیشِ رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.



مَعْرِفَةُ



ارتباط نیکو زیر یک سقف

این نوشتار را برای پاسخ‌گویی به دغدغه‌های زیر سامان داده‌ایم:

؟ رابطه سالم زن و شوهری چیست و چگونه از رابطه ناسالم متمایز می‌شود؟

؟ ارتباط نیکوی کلامی چه نشانه‌ها و راهکارهای کاربردی دارد؟

؟ بین خود و همسرمان، چگونه ارتباط نیکوی غیرکلامی برقرار سازیم و آن را عمق ببخشیم؟



۱. درآمد



خانواده با پیمان ازدواج پایه‌گذاری می‌شود. این ازدواج ستون اصلی و حیاتی‌ترین نهاد اجتماعی، یعنی خانواده، را تشکیل می‌دهد. هر قدر روابط میان همسران بهتر و سالم‌تر و پُر جاذبه‌تر باشد، زندگی شیرین‌تر و با صفاتر می‌شود و فرزندانِ بانشاط و موفق‌تری تربیت می‌شوند. سلامت، استحکام و اقتدارِ عاطفی و منطقی خانواده در گرو برخورداری اعضا از بصیرت و بینش اجتماعی و کسب آگاهی‌های لازم در جهت سازندگی و پیشگیری از درگیری‌ها و تضادهای و کج‌روی‌هاست. بی‌تردید، خانواده‌های لجام‌گسیخته و متزلزل، جامعه‌ای متزلزل پدید می‌آورند که در آن، نشانی از روابط سالم یافت نمی‌شوند، میزان طلاق روز به روز افزایش می‌یابد و به از هم‌پاشیدن نظام خانواده می‌انجامد.

متأسفانه بخشی از زنان و مردان، در برقراری رابطهٔ سالم، هنر زن‌بودن و مرد‌بودن را نمی‌دانند؛ یعنی مهارت ادارهٔ خانواده را یاد نگرفته‌اند. امروزه، میانگین زمان برقراری ارتباط کلامی بین همسران بسیار ناچیز است و همین امر، سبب سردی فضای خانواده‌ها شده است. این نوشتار راهکارهای مؤثر برقراری روابط سالم و سازنده در خانواده را بررسی می‌کند.

۲. مفهوم ارتباط



ارتباط عبارت است از فراهم‌سازی زمینه برای انتقال اطلاعات، فهم آن‌ها و بهره‌برداری از مفاهیم مشترکی که به صورت‌های کلامی و فراکلامی بین دو یا چند فرد پدید می‌آید. به عبارت دیگر، ارتباط عامل تبادل اطلاعات و معنابخشی به آن‌هاست. همچنین، انگاره‌ای برای سنجش افراد و وسیله‌ای برای تغییر رفتار محسوب می‌شود.

در ارتباط، مسائلی مانند هم‌زیستی، مجاورت، فعالیت، زبان، وضع ظاهری، قوم‌و‌خویشی، علم و مذهب دخالت دارد. اصولاً ارتباطات آدمی را می‌توان فرایند انتقال یا مبادله اطلاعات تفسیر کرد که یکی از نیازهای اساسی و مهم وجود انسان‌هاست. تجربه نشان داده است که انسان‌ها زمانی که از هرگونه ارتباطی محروم می‌شوند، به سرعت افسرده شده و چه بسا به مشکلات روانی مبتلا می‌شوند.

٣. زمينه ارتباط



زمینه‌های ارتباطی اشخاص، در گذر زندگی‌شان به‌وجود می‌آید و بر تمام روابط آنان تأثیر می‌گذارد. ارتباط در خانواده پدری از فرهنگ، جنسیت، چگونگی برقراری رابطه با دیگران و تجربه‌های روابط صمیمانه پیشین سرچشمه می‌گیرد. اینکه تفاوت در زمینه‌های ارتباطی به ایجاد رابطه بهتر کمک می‌کند یا از کیفیت آن می‌کاهد، بستگی به آگاهی طرفین دارد. هنگامی که از زمینه ارتباطی همسر خودمان آگاهی نداریم، به اشتباه تصور می‌کنیم که زمینه‌ای همانند ما دارد؛ ولی این تصور ما، چه بسا مشکل‌ساز می‌شود.^۱

در رابطه صمیمانه، یکی از تفاوت‌های رایج در زمینه ارتباط، جنسیت است. برای نمونه، بسیاری از زوجها نمی‌دانند که زن و مرد از دو شیوه ارتباطی متفاوت استفاده می‌کنند: بیشتر مردها بر این باورند که وقتی کسی مشکلش را برای آنان مطرح می‌کند، انتظار برطرف‌شدن

۱. فرانک فینچام و دیگران، رابطه همسران، ترجمه مهدی قرچه‌داغی، ص ۴۷.



آن را دارد و به همین دلیل، بی درنگ راه‌حلی برای مشکل ارائه می‌دهند؛ ولی، بیشترِ زن‌ها بر این باورند که در میان گذاشتن مشکلات خود با دیگران، حتی اگر مشکل آنان را حل نکند، راهی برای پیوندجویی و رسیدن به احساس حمایت است.

بی‌توجهی به این موضوع، در اغلب مواقع، سبب ایجاد ناراحتی می‌شود: زن از مشکلاتش شکایت می‌کند و مرد راه‌حل نشان می‌دهد. در این موقعیت، هرگز عجیب نیست اگر زن احساس کند که همسرش به سخنان او گوش نمی‌دهد و مرد هم به این نتیجه برسد که همسرش تنها قصد شکایت دارد، زیرا هرگز به راه‌حل‌های پیشنهادی او اهمیت نمی‌دهد. زوج آگاه از تفاوت زمینه‌های ارتباطی زن و مرد، گرفتار این برداشت نادرست از ارتباط نمی‌شوند؛ زیرا هر دو از منظور دیگری آگاه‌اند.^۱

۱. رضا فرهادیان، تربیت برتر، ص ۳۲.



٤. انواع روابط



روابط متقابل زن و مرد را می‌توان به دو نوع روابط سالم و سازنده و روابط ناسالم و مخرب تقسیم کرد:

۱.۴. روابط سالم و سازنده

در روابط سالم و سازنده، طرفین در مبادله اطلاعات و احساسات، در فضایی مناسب مشارکت می‌کنند، با یکدیگر هماهنگی دارند و در این ارتباط هر دو ارزش بسزایی برای خود در نظر می‌گیرند؛ همان‌طور که برای دیگری ارزش قائل‌اند. براین اساس، در برخوردها و ارتباط‌هایشان با دیگری، بر پایه برداشت خود از او رفتار می‌کنند: اگر همسر را موجودی با شخصیت و با عزت بدانند، می‌کوشند کرامت را در او تقویت کنند و اگر او را دارای کرامت



نفس ندانند، او را تحقیر می‌کنند.^۱

از دیدگاه اسلام، ارتباطی سازنده و سالم است که بر پایهٔ تکریم شخصیت و عزت نفس و احترام متقابل افراد انسانی استوار باشد و این، ناشی از آن است که خود نیز از کرامت برخوردار باشد. این روابط، افراد را در برابر انحراف‌ها و ناسازگاری‌ها و تنش‌ها ایمن می‌کند؛ چنان‌که امیرمؤمنان، علی علیه السلام می‌فرمایند: «کسی که از کرامت نفس برخوردار باشد، هواهای نفسانی در نظرش خوار و ناچیز است.»^۲

۲.۴. روابط ناسالم و مخرب

اساس روابط مخرب و ناسالم، تحقیر شخصیت طرفین است. در چنین روابطی، تفهیم و

۱. همان، ص ۴۹.

۲. غررالحکم، ص ۶۶۹.



تفاهم، دشوار می‌شود و ارتباط، بیشتر فیزیکی است تا قلبی و احساسی. هریک از دو طرف در لاک خود فرو رفته‌اند و برای حلّ معضلات خود تلاش می‌کنند. در این حالت، ارتباط همسران با یکدیگر، روبه‌ضعف می‌نهد و گفت‌وگو، گاه یک‌سویه و بسته می‌شود.

روابطی که براساس ارزشمندی همسر نباشد، مخرب است؛ زیرا همسران، یا یکی از آنان، آمادگی پذیرش نظرهای دیگری را ندارند و همین نپذیرفتن، به از میان رفتن درک و تفاهم می‌انجامد و سرانجام، ناسازگاری را در پی خواهد داشت. گاهی این تعارض‌ها موجب درگیری‌های لفظی شدید، اضطراب، افسردگی، پرخاشگری و دیگر اختلال‌های حاد روانی می‌شود.^۱

۱. رضا فرهادیان، شخصیت برتر، ص ۲۳.

۵. روابط کلامی و غیر کلامی





روابط سالم و سازنده زن و مرد را از جهت دیگر می‌توان به دو نوع روابط نیکوی کلامی و روابط نیکوی غیر کلامی تقسیم کرد:

۱.۵. ارتباط نیکوی کلامی

از جمله انواع ارتباطات، ارتباط نیکوی کلامی است. در این نوع ارتباط، ما با زبانی سروکار داریم که می‌تواند معانی و مفاهیم و منظورمان را انتقال دهد. این زبانی باید بتواند با کمک حامل‌ها و شیوه‌های بیان آن‌ها، موضوعی را از شخصی به شخص دیگر انتقال دهد و در این نقل و انتقال، تصور شنونده از وقایع همانند گوینده باشد. بیشتر مشاجرات همسران از فقر ارتباط نیکوی کلامی و ناتوانی در رساندن مفهوم و منظور خویشتن ناشی می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد که بین همسران، هرچه ارتباط کلامی و پیوند عاطفی بیشتر و نیکوتر باشد، روابط آنان سالم‌تر و مستحکم‌تر است. در زندگی سالم و عاطفی، زن و شوهر



باید از هر فرصتی برای ایجاد فضای محبت‌آمیز و محرمانه و صمیمانه ارتباط کلامی و عاطفی استفاده کنند. برای این منظور، لازم است برای ایجاد فضایی تلاش شود که در آن، همسران به یکدیگر اعتماد دارند و می‌توانند آزادانه، چه در خلوت و چه در پیش دیگران، با هم ارتباط کلامی مناسب برقرار کنند و نگرانی‌ها، علاقه‌ها، خواسته‌ها، احساسات و مسائل خود را با یکدیگر در میان بگذارند.

راغب اصفهانی می‌نویسد که کلام را کلام گفته‌اند، از آن جهت که تأثیر دارد و دلالت بر چیزی می‌کند. کلام نیکو همان کلامی است که آثار نیکو دارد و از این جهت طیب است؛ همان‌طور که در قرآن آمده است: ﴿أَلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ﴾^۱ این آیه‌ها نیز به آثار مطلوب کلام نیکو و آثار نامطلوب کلام غیرنیکو اشاره می‌کنند: ﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا

ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ... ﴿۱﴾ (= آیا ندیدی خدا چگونه مَثَل زده: سخنی پاک مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است؟) ^۱ ﴿وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ﴾ (= و مَثَل سخنی ناپاک، چون درختی ناپاک است که از روی زمین کنده شده است و قراری ندارد.) ^۲ ﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾ (= خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و در آخرت، با سخن استوار ثابت می‌گرداند و ستمگران را بیراه می‌گذارد و خدا هرچه بخواهد انجام می‌دهد.) ^۳

۱. ابراهیم، ۲۴.

۲. ابراهیم، ۲۶.

۳. ابراهیم، ۲۷.



۱.۱.۵. نشانه‌های ارتباط نیکوی کلامی

در ارتباط نیکوی کلامی، همسران به امور زیر می‌پردازند:

در گفت‌وگو، زن و شوهر با احترام با یکدیگر صحبت می‌کنند و بر یک موضوع تمرکز کرده و شفاف و صریح مسئله مد نظر را مطرح می‌کنند. نیز، هر کدام با علاقه به تمام حرف‌های همسر گوش می‌دهند و به‌هنگام گفت‌وگو به کار دیگری مشغول نمی‌شوند. هنگامی که از دیگری خواسته‌ای دارند یا می‌خواهند او از کاری دست بکشد، بدون لحن انتقادی، وی را راهنمایی و ارشاد می‌کنند. اگر لازم باشد که انتقادهایی مطرح کنند، قبل از بیان مخالفت‌ها و انتقادهای، از همسر خود تعریف و تمجید می‌کنند تا به او احساس قدرت و شوکت دهند و آنگاه، با بیان موافقت با ایده‌ها و کلمات وی، زمینه روانی را برای انتقادهای سازنده و پیش‌برنده فراهم می‌سازند.

این افراد، در غذا و آب و میوه و... همسر را بر خویش مقدم می‌دارند. با تعبیر عاطفی و



محترمانه همدیگر را صدا می‌کنند. برای زحمات و خدمات همسرشان ارزش قائل می‌شوند و از یکدیگر حق‌شناسی و قدردانی می‌کنند. هر کلامی را با خوش‌خُلقی و لبخند همراه می‌سازند. آنان، از شیوه‌های خطابی و سخنانی پرهیز می‌کنند که روابط عاطفی را با مخاطره روبه‌رو می‌کند. مصادیق این سخنان از این قرار است: کلام بی‌معنا و لغو و بیهوده، عبارت‌های ضدّ ارزشی، لحن ناخوشایند، سخن همراه با عصبانیت، قطع کردن کلام همسر به‌هنگام صحبت، برچسب‌زدن (مانند گفتنِ شلخته، خودخواه، بی‌ملاحظه، لج‌باز)، زیر سؤال بردن، استفاده زیاد از کلمه چرا، بی‌تناسب و طعنه‌آمیز سخن گفتن و بیان جمله‌های منفی مانند «از چهره‌ات خوشم نمی‌آید».

آموزه‌های دینی ما رهنمودهای ارزنده‌ای در این باب ارائه کرده‌اند: «اقوی الاسباب... أن لا یتکلم بکلام لغو»^۱



همچنین، «هیچ‌یک از شما نباید دربارهٔ چیزی سخن بگویند که به او ارتباطی ندارد»^۱ در حدیث دیگری آمده است: «کفی بالمرء عیباً... ان یتکلم بکلام لا یعنیه»^۲

در دیدگاه اسلامی، ارتباط کلامی زن و شوهر باید به صورت پاک و به دور از هر گونه آلودگی باشد تا با پیامدهای ارزنده و مطلوب، همراه شود. این ارتباط باید براساس اصول باشد و با آداب و فنون ویژه‌ای همراه شود. از جمله اصول برقراری ارتباط نیکو بین زوجین این است که هر نوع گفت‌وگو بین زن و شوهر باید بر مبنای اهداف عقلایی و خدایی باشد و تا سخنی خوب ارزیابی نشده است و از نظر عقلی به تأیید نرسیده است، مطرح نشود. هر گفت‌وگویی باید با دو معیار عقلی و دینی سنجیده شود و پیش از این ارزیابی، سکوت بهتر از گفت‌وگوست. اگر کلامی نتیجه‌ای جز ابراز بدخلق و عصبانیت فرد ندارد و مشکلی را حل نمی‌کند، بیان آن عقلانی

۱. بحار، ج ۲، ص ۱۳۰، ح ۵.

۲. بحار، ج ۷۸، ص ۱۸۹، ح ۴۳.



نیست. اگر با کلمه بیان شده، حقی از فردی پایمال می شود، تهمتی زده می شود یا ناراحتی پدید می آید، شرعی و دینی نیست.

امام سجاد علیه السلام می فرمایند: «هر چیزی میوه ای دارد و میوه گوش، سخن نیکوست.»^۱ در هر چیزی، نوعی خوش طبعی وجود دارد و خوش طبعی گوش، کلام نیکوست؛ یعنی گوش به صورت طبیعی از کلام زیبا خوشش می آید. پس کلام، باید متناسب با گوش باشد: نه خیلی آهسته و نه خیلی بلند. محتوای آن نیز باید خوب و زیبا باشد. قالب آن و لحن گوینده باید دلنشین و گوش نواز بوده و همراه با لبخند و محبت باشد و از هرگونه عصبانیت و پرخاشی، به دور. در کلام نباید آلودگی و ناپاکی و خلاف عفت وجود داشته باشد.



۲.۱.۵. زمینه‌های راهبردی در روابط نیکوی کلامی

احادیث معصومان علیهم‌السلام به زمینه‌های راهبردی در روابط نیکوی کلامی می‌پردازد. از جمله:

۱، ۲، ۱، ۵. هدفمند بودن

هر فردی باید برای خودش مشخص کند که با چه هدفی می‌خواهد با دیگری سخن بگوید، این کار چه سودی دارد و آیا پیامد بدی برای خود یا طرف مقابل یا دیگری ندارد؟ امام‌علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «عاقل آن است که هنگامی که می‌خواهد سخن بگوید، بیندیشد»^۱ یا می‌فرمایند: «مؤمن هنگامی که می‌خواهد سخن بگوید، در آن تأمل می‌کند»^۲ از این دو حدیث شریف، می‌توان چنین نتیجه گرفت:

۱. بحار، ج ۱، ص ۱۲۹، ح ۱۲.

۲. بحار، ص ۲۹۲، ح ۶۲.



در هر ارتباط کلامی، باید هدفمند عمل کرد و پایان و نتیجه کار را ارزیابی کرد. کلام باید به گونه‌ای باشد که پیامد مطلوب داشته باشد. همچنین، برقراری ارتباط کلامی نیکو، از دو عامل در آدمی ناشی می‌شود: یکی عقل و خرد و دیگری ایمان و تعهد الهی داشتن. بنابراین، تقویت خردمندی و ارزش‌های اخلاقی در زن و مرد، ارتباط نیکو را در پی دارد.

دیگر آنکه آنچه نقش مؤثری در زندگی زن و شوهر دارد، ارتباط نیکوی کلامی است، نه فقط ارتباط کلامی. آخر اینکه باید مفهومی در ذهن پرورده شده و برای ابراز کلام، آمادگی ایجاد شود و سپس، سخن بیان گردد؛ پس، هرچه به ذهن بیاید، نباید در قالب جمله یا کلمه‌ای آشکار شود: «تجنب ارتجال الکلام»^۱



۵,۱,۲. شناخت کامل موقعیت کلامی

نیکو بودن ارتباط کلامی به این است که به موقع و در موقعیت مناسب روانی باشد. ارزیابی موقعیت و شناخت همه جانبه جوانب کلامی که قرار است بیان شود و درک واقع بینانه از حالات روحی خود و همسر، می تواند در چگونگی صدور کلام به بهترین وجه مؤثر باشد: «**لا تتکلّم فیما یعنیک حتی تری الکلام موضعاً**»^۱

از مصادیق شناخت موقعیت ارتباط کلامی نیکو این است که فرد قدر کلام خود را بداند و در موقعیت نامناسب، آن را ابراز نکند. امام صادق علیه السلام می فرمایند: خوشا به حال کسی که قدر کلام خود را می داند و با بیجا حرف زدن، اعتبار آن را از بین نمی برد: «**فطوبی...**»
من علم قدر الکلام»^۲

۱. بحار، ج ۷۸، ص ۱۲۷، ح ۱۰.

۲. مستدر که ج ۹، ص ۲۰، باب ۱۰۰، ح ۱۶.



۵، ۱، ۲، ۳. کلام محبت آمیز

شنیدن کلمات محبت آمیز جزو ضروریات زندگی موفق زناشویی است. نیاز متقابل زن و شوهر به اظهار محبت در مقابل یکدیگر باید به بهترین نحو پاسخ داده شود. پیامبر ﷺ در این باره می فرمایند: «هیچ گاه این کلام شوهر که می گوید دوستت دارم، از دل زن خارج نمی شود.»^۱

زن نیز به طور متقابل باید به همسر خویش اظهار محبت کند. در زندگی حضرت فاطمه علیها السلام عبارات محبت آمیز و احترام آمیز به علی علیه السلام بسیار است: «روحی لروحک لفداء و نفسی لنفسک الوقاء.» (= روح من فدای روح تو باد و جان من سپر بلای جان تو)^۲

۵، ۲. روابط نیکوی غیر کلامی

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۶۹، ح ۵۹.

۲. حائری مازندرانی، مبانی تحکیم خانواده در نگرش و سنت حضرت زهرا، ج ۱، ص ۱۹۶.



روابط غیرکلامی زن و شوهر شامل روابط روانی، عاطفی، احساسی و عملی است. در زیر به برخی زمینه‌های راهبردی در روابط نیکوی غیرکلامی می‌پردازیم:

۱.۲.۵. احترام متقابل

مقصود از احترام، نگرشی است که در آن، همسران برای هم احترام زیادی قائل‌اند و یکدیگر را ارزشمند می‌دانند. افزون‌براین، همسران علاقه‌مندند که این احترام را به زبان آورند و آن را به‌نوعی ابراز کنند؛ بنابراین، تعجب‌آور نیست که به‌هنگام بروز تمایل برای حلّ مشکلات مربوط به زوج، شاهد احترام هستیم. احترام در اصیل‌ترین شکل خود، به‌صورت توانایی گوش‌دادن و توجه به همسر ظاهر می‌شود. روشن است که این توانایی‌ها، از نگرش و حرف فراتر می‌روند و



به ارزش گذاری فعالانه و قدردانی احترام آمیز تبدیل می شوند.^۱

احترام به این معنا نیست که زن و شوهر عواطف و احساسات خود مانند خشم، سرسختی، ناراحتی روحی و... را از یکدیگر پنهان و آن ها را به صورت عقده های روانی روی هم انباشته کنند. خشم های سطحی و بگومگوهای کوتاه میان زن و شوهر در زندگی زناشویی، چون رعد و برق است: همیشه پس از رعد و برق باران می بارد و این باران، همه چیز را می شوید و آرام می کند. همچنین، احترام به معنای انتقاد نکردن نیست: گاهی لازم است زن و شوهر، آشکارا از رفتار نامناسب یکدیگر انتقاد کنند؛ ولی باید از تندخویی بپرهیزند تا انتقاد آنان بی اثر نباشد. روایات اسلامی، به احترام متقابل زن و شوهر بسیار سفارش کرده اند: امام صادق علیه السلام درباره احترام گذاشتن زن به شوهر می فرمایند: «هر زنی که به شوهرش احترام بگذارد و آزارش

۱. شناخت و درمان اختلالات زناشویی (زناشویی درمانی)، ترجمه حمیدرضا سهرابی، ص ۱۲۴، ص ۱۳۵.



نرساند، خوشبخت و سعادتمند خواهد بود.»^۱ پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «هر کس به خانواده‌اش توهین کند، خوشیِ زندگی را از دست خواهد داد.»^۲

رابطهٔ احترام‌آمیز میان زوجین، نشانه‌ها و نمودهای ویژه‌ای دارد. شایسته است که احترام متقابل همسران به هم، افزون بر احترام قلبی، در برخی رفتارهای بیرونی نیز ابراز شود. این رفتارها عبارت‌اند از:

۱، ۱، ۲، ۵. خواندن همسر به نام مناسب و شایستهٔ شأن او

برخی همسران از به‌کاربردن پسوند یا پیشوند مناسبی، همراه نام همسرشان، در جمع احساس شرم می‌کنند و او را با نام کوچک صدا می‌زنند که این امر سبب تحقیر همسر می‌شود. زن و مرد به‌دلیل احساس نزدیکی و صمیمت در محبت فردی خود، یکدیگر را بدون لقب و

۱. بحار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۳.

۲. مشکینی، مواظظ العدیده، ص ۱۵۱.



با نام کوچک صدا می‌زنند؛ اما در محیط‌های جمعی و در حضور دیگران استفاده از القاب و پسوندها و پیشوندهای مناسب، مصداق احترام به همسر است و سبب بزرگداشت او خواهد شد و این پیام را به دیگران القا می‌کند که اگر بخواهند همسر شما را مخاطب قرار دهند، به‌طور کامل و شایسته شأن او، از آن لقب‌ها استفاده کنند.^۱

۵، ۲، ۱، ۲. سلام کردن هنگام ورود به منزل

یکی از راه‌های ابراز احترام به همسر، سلام کردن هنگام ورود به منزل است. هنگامی که شوهر از بیرون و پس از کار، به منزل باز می‌گردد، شایسته است که به اهل منزل به‌ویژه به همسر خود سلام کند. این تحیت و اهدای دعای زندگی، به او آرامش می‌بخشد و خستگی کار روزانه را از تن او بیرون می‌کند و

۱. حسین انصاریان، نظام خانواده در اسلام، ص ۳۷۰.



احساس می کند که منزلت و شخصیت ویژه‌ای نزد همسر خود دارد.^۱ امام صادق علیه السلام فرمودند: «وقتی شوهر به خانه وارد می شود، باید به خانواده‌اش سلام کند و پیش از آن، کفشش را به زمین بزند و سرفه کند تا خانواده را از آمدن خود خبر دهد.»^۲

در واقع، به همان اندازه که دو زوج، منزلت و احترام یکدیگر را رعایت کنند، از آلودگی‌ها و لغزش‌ها فاصله می گیرند و به نسبتی که خود را نزد همسر خود بی ارزش احساس کنند، در وادی انحرافات گرفتار می شوند و پاکی و صفای خود را از دست می دهند و احترام را بیرون از فضای خانواده جست و جو می کنند.

۳.۱.۲.۵. استقبال از همسر و بدرقه او

هنگامی که خانم خانه با چهره‌ای خندان در را به روی مرد می گشاید، اثر نیکویی بر روان مرد

۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۴۱، ح ۲.

۲. بحار، ج ۷۶.



می‌گذارد. شاید مرد، بیرون از خانه، با ده‌ها مشکل روبه‌رو بوده و با روحی پژمرده و تنی خسته وارد خانه شده است. در این حال، به پیشواز رفتن همسر با چهره باطراوت و باصفا، روح تازه‌ای در کالبد خسته او می‌دمد و دلش را آرامش می‌بخشد.^۱ رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرمایند: «وظیفه زن این است که تا در خانه به پیشواز شوهر برود و به‌وی خوش آمد بگوید».^۲

۲.۲.۵. دیدن مسائل از دیدگاه همسر

درک و فهم فرایند پیچیده‌ای است که همسران با آن، اطلاعات متقاعدکننده و توضیح‌دهنده‌ای از یکدیگر کسب می‌کنند. می‌توان به همسران آموزش داد که هنگام پیداشدن ابهام، عبارت ساده‌ای را بیان کنند: «مطمئن نیستم که حرف‌هایت را به‌خوبی می‌فهمم».

۱. ابراهیم امینی، همسر‌داری، ص ۴۰ و ۴۱.

۲. حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۵۵۱.



می‌توانی بیشتر توضیح دهی؟» این جمله، به‌ظاهر تقاضایی ساده برای کسب اطلاعات بیشتر است. باوجوداین، در معنای ظریف‌تر، همسران در ادامه می‌گویند: «من به‌واقع تلاش می‌کنم که این مسئله را از دیدگاه تو ببینم.»

درحقیقت، این، همه آن چیزی است که درک و فهم به آن مربوط می‌شود؛ یعنی توانایی دانستن و درک همدلانه آنچه همسر تجربه کرده است. افزون‌براین، نوعی پذیرش تجربه نیز هست. این به آن معناست که همسران به چارچوب‌های داورِ یکدیگر، مشروعیت می‌بخشند.^۱ در محیط خانوادگی، گاه زن و مرد یکدیگر را درک نمی‌کنند و بدون در نظر گرفتن توان یکدیگر، هریک، از دیگری انتظارهایی دارند که خارج از توان اوست و بر همین اساس، همواره میان آن دو، جنگ و جدال وجود دارد؛ درحالی‌که اگر هر دو همدیگر را درک کرده بودند،

۱. ابراهیم امینی، همسر داری، ص ۱۲۵.



به جای درگیری، سازش میان آن دو پدید می‌آمد.^۱ فراموش نکنیم که درک کردن هنگامی است که انتظارهای افراد از دیگران با توانایی‌های آنان برابر باشد. در چنین اوضاعی است که تلاش و امید حرکت کردن پدید می‌آید. وقتی انتظارها بیش از توانایی فرد باشد، درک کردن وجود ندارد. در نتیجه، سردی و یأس و سکون پدید خواهد آمد.^۲

۳.۲.۵. شناخت نیازهای همسر

آگاه‌بودن از نیازهای همسر، از عناصر اساسی فرایند ارتباطی است. برخی همسران در شناخت خواسته‌های همسرشان کوتاهی می‌کنند و در برخی مواقع، برای شنیدن نیازهای

۱. مجید رشیدپور، تعادل و استحکام خانواده، ص ۱۵۳.

۲. همان، ص ۱۵۴.





همسرشان زمانی اختصاص نمی‌دهند. زوج‌هایی نیز هستند که از بیم سوءاستفاده، تصمیم می‌گیرند به یکدیگر حساس نباشند. در همه این مواقع، نتیجه نهایی یکسان است: همسران در شناسایی یا ارضای نیازهای یکدیگر، شکست می‌خورند و از هم دورتر و دورتر می‌شوند.^۱

رسیدن به تفاهم، نیازمند شناخت طرف مقابل است تا بتوان در برابر او حساسیت مناسب نشان داد. همسرانی که اندیشه‌ها، علاقه‌ها و خواسته‌های همسر خود را به خوبی می‌شناسند و در موقعیت‌های گوناگون در برابر آن‌ها از خود واکنش مناسب نشان می‌دهند، هیچ‌گاه در روابط خود با مشکل روبه‌رو نمی‌شوند و با شناختی که از حالت‌های روحی همسر خود دارند، در برابر خواسته‌های او واکنش مناسبی نشان خواهند داد.

نیازهای انسان، حد و مرزی ندارند: بخشی از آن‌ها تخیلی و غیرمنطقی‌اند که فرد به

۱. رشیدپور، تعادل و استحکام خانواده، ص ۱۲۶.



ناممکن بودن آن‌ها آگاه است؛ ولی گاهی در رؤیا به آن‌ها می‌اندیشد و از نظر روانی، آرام و دل‌خوش و به این وسیله تخلیه روانی می‌شود. بخش دیگر نیز به نیازها و انتظاراتی او از خود و دیگران مربوط است. نیازهای فرد از خود که جنبه عملی و منطقی دارند، باعث انگیزه و در نتیجه، تحرک و فعالیت او می‌شود. برآورده شدن بخشی که مربوط به دیگران است، مشخص نیست. این خواسته‌ها و نیازها نیز می‌تواند غیرمنطقی یا بدون حدود مرز باشد. در روابط زن و شوهر به دلیل اشتراک در پاره‌ای از زمینه‌ها، خواسته‌ها و نیازهای متقابلی وجود دارد که بخشی از آن، طبیعی است. آگاهی به اینکه چه نوع و تا چه اندازه، انتظارات و نیازهای زن و شوهر از یکدیگر، طبیعی و منطقی است، از نکته‌های مهمی است که باید به آن به دقت توجه کرد.^۱

۱. حسین عسکری، نقش بهداشت روان در ازدواج، زندگی زناشویی و طلاق، ص ۲۶۶.



۴.۲.۵. همسویی بینش‌ها و باورهای مذهبی

یکی از شرط‌های ازدواج در اسلام، کُفوبودن است و نخستین مرتبه از کفوبودن، همسانی مذهب و دین است. زندگی هر مسلمانی بر پایه اسلام و فرهنگ اسلامی است و غیرمسلمان بر پایه فرهنگ غیراسلامی خود عمل می‌کند. در زندگی مشترک، باید مواضع مشترک وجود داشته باشد. چگونه دو نفر که فرهنگ متضاد دارند، می‌توانند به‌هنگام اجرا و عمل، هماهنگ باشند؟ آنان یا گرفتار اختلاف و نزاع می‌شوند یا یک طرف باید از مواضع خود چشم‌پوشی کند.^۱ اینجاست که اسلام، در آغاز ازدواج، مسئله کفوبودن در مذهب و دین را مطرح می‌کند تا افزون بر جنبه‌های معنوی دیگر، کانون خانواده از گرمی و عاطفه مذهبی نیز بهره‌مند باشد. خصلت‌های پاک بشری ناشی از خداباوری و تقوای پیشگی است و تقوای پیشگی نیز حاصل توحید

۱. حبیب‌الله طاهری، سیری در مسائل خانواده، ص ۱۱۳.



و معاداندیشی. به بیان دیگر، نزد زنان و مردان پاک‌دل، ارزشمندترین معیار، انتخاب همسری همراه و همدلی نیک‌سرشت و خداپرست و معادباور است.^۱

حفظ و تقویت مستمر و تعالی باورها و ارزش‌های مذهبی به‌وسیله زوجین، از مؤثرترین عوامل و قوی‌ترین جاذبه‌های زندگی مشترک است. برخورداری از اندیشه مذهبی مشترک و همگامی و همراهی در پایبندی به فریضه‌های مذهبی، زیباترین حلقه روابط سازنده را به همسران ارزانی می‌دارد.

۵.۲.۵. هماهنگی دیدگاه‌های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی

بی‌گمان، آنانی که در اعتقادات و بینش‌های عمیق دینی و رفتارهای متعالی مذهبی،

۱. غلام‌علی افروز، همسران برتر، ص ۶۵.



همسویی کامل دارند، در نگرش‌ها و برداشت‌های اجتماعی و فرهنگی نیز اندیشه و زبان مشترک خواهند داشت؛ برای نمونه، هنگام طرح مباحثی همچون تحصیل و کار و فعالیت اجتماعی زنان در عرصه‌های مختلف، زن و مرد براساس مبانی و ارزش‌های اسلامی و معیارهای قرآنی و به‌دور از تعصبات فردی و جنسیتی و مشاجره‌ها و جدال‌های بیهوده، به‌صراحت و آسانی، مواضع فکری مشترک و مشابهی را اعلام می‌کنند. اینان هرگز تحصیل و تحقیق را در انحصار مردان نمی‌بینند و در زمینه ارتباطات اجتماعی، انتخاب شیوه زندگی و فرزندپروری نیز آرای مشابهی دارند.^۱

در زمینه سیاسی، افراد گاه خود را پیرو مکتبی می‌دانند و حتی ممکن است در این راه و در طرفداری از آن مکتب، افراط کنند. اگر تفکر سیاسی زوجین یکسان نباشد، چه بسا به



اختلاف‌هایی بینجامد و در این اختلاف‌ها، به روابط سالم آسیب برسد.

هماهنگی در زمینه فرهنگی نیز در ایجاد روابط سالم و سازنده نقش مهمی دارد: اگر زن و شوهر، هنگام ازدواج، همان‌گونه که کفوبودن در اعتقادات دینی را در نظر گرفته‌اند، به کفوبودن در فرهنگ و سطح فکر هم توجه کرده باشند، مسئله و اختلافی نخواهند داشت. این بدان معناست که باید با خانواده‌ای ازدواج کنند که در آن، طرز فکرها و آداب‌ورسوم و خُلقیات و ارزش‌هایشان شبیه هم است.

در نظر گرفتن سطح تحصیلات نیز می‌تواند مؤثر باشد. بعضی افراد در آغاز ازدواج به فردای خود فکر نمی‌کنند و شرط‌هایی را به‌هنگام انتخاب همسر می‌پذیرند که ممکن است در آینده، مشکلاتی در روابط آنان ایجاد کند؛ مثلاً مردی که تحصیلات عالی دارد، با زنی بی‌سواد یا زنی کم‌سواد ازدواج می‌کند و پس از چندی، به فکر ارزیابی خود و او می‌افتد. او می‌کوشد برتری علمی خود را ثابت کند و نشان دهد که زن، درک و فهم کافی



و نیز هماهنگی لازم برای زندگی با او ندارد!

۶.۲.۵. همانندسازی زن و شوهر با یکدیگر

پس ازدواج، رابطه میان زن و شوهر سبب می‌شود که هر کدام به گونه‌ای، از اندیشه‌ها و باورها و رفتارهای دیگری تأثیر بپذیرد و بعضی از آن‌ها را بپذیرد و در نتیجه، هر دو از یک الگوی مشترک پیروی کنند. این همانندسازی سالم و طبیعی با تعادلی که در نتیجه تعارض‌ها و کشمکش‌های میان آن دو برقرار می‌شود، تفاوت دارد: در همانندسازی، پذیرش تفکر و رفتار یکدیگر با میل و به دلخواه است؛ در حالی که در نوع دیگر، این کار به ناچار انجام می‌شود.^۱

۱. حسین عسکری، نقش بهداشت روان در ازدواج، ص ۲۵۶.



۷.۲.۵. بیان احساسات در گفت و گوهای متقابل

بسیاری از افراد، هرگز احساسات خود را به همسرشان ابراز نمی کنند؛ چون بیم دارند که رفتارشان احمقانه به نظر برسد و بر این باورند که ابراز احساسات، نوعی رفتار کودکانه است. بیشترِ زن ها از ارتباط با همسرشان شکایت دارند؛ ولی برای بهتر شدن این روابط، گامی بر نمی دارند و آنچه در درون خود دارند، بیان نمی کنند. هنگامی که زن و شوهر احساس خود را با هم در میان می گذارند، کم کم دوست می شوند و بیشتر احساس هم قدمی می کنند. از آنجا که بیشترِ ازدواج ها به دلیل جاذبه های جنسی شکل می گیرد و پای دوستی در میان نیست، برخی زوجها هرگز دوستِ خوب بودن را نمی آموزند.



۸.۲.۵. ارضای نیاز جنسی

توجه به این نکته بسیار حساس، لازم و ضروری است که گزینه جنسی همان گونه که عامل اساسی پیدایش خانواده و زندگی مشترک است، در استمرار و پایداری خانواده نیز نقش بسیار مهمی دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که علت بسیاری از طلاق‌ها، ارضانشدن درست و متعادل این گزینه است. سردمزاجی زنان یا مردان یا اهمیت‌ندادن به ارضای صحیح و طبیعی گزینه جنسی، خانواده را در آستانه فروپاشی قرار می‌دهد.^۱

به اعتقاد ما، روابط زناشویی با ارضای گزینه جنسی فرق دارد: چه بسیار افرادی که ازدواج می‌کنند، ولی به هیچ وجه گزینه جنسی آنان ارضا و اشباع نمی‌شود. ارضای جنسی تنها با برقراری روابط جسمی محقق نمی‌شود؛ بلکه احتیاج به آمادگی‌های روحی و جسمی و روانی دارد. مردان

۱. تعادل و استحکام خانواده، ص ۱۰۲.



باید بدانند زنان، تنها به عمل جنسی نیاز ندارند؛ بلکه از نظر روحی و تمایلات زنانگی احتیاج دارند که مردان، زن بودن و تمایلات زنانگی آنان را تأیید کنند.^۱ علی‌السلام^۲ فرمودند: «هرگاه یکی از شما اراده کرد که با همسرش هم‌بستر شود، نباید شتاب ورزد؛ زیرا زنان نیازمندی‌هایی دارند.»^۲

۹.۲.۵. مهارت در حل مشکلات

یکی از عوامل مهم آسیب‌پذیری خانواده، نبود آگاهی و مهارت حل مشکلات است. آموختن دانش‌های لازم، شرکت در کلاس‌های آموزشی و مذهبی و مطالعه کتاب‌هایی درباره آیین همسررداری، می‌تواند به سطح شناخت همسران بیفزاید و آنان را در کسب مهارت‌های حل مشکلات، کمک کند. همسران با این آگاهی‌ها و شناخت مشکلاتشان و فراگیری راه‌حل‌های

۱. مجید رشیدپور، روان‌شناسی ازدواج در اسلام، ص ۹۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۸۳.



معقول و منطقی برای رفع این مشکلات، زندگی را پایدار می‌سازند.

۱۰.۲.۵. کمک‌گرفتن از مراکز و افراد باتجربه و خیرخواه

خانواده‌ها دربارهٔ کمک‌گرفتن از مراکز و افراد بیرون از خانواده برای رفع مشکلات، نظرهای متفاوتی دارند: برخی بر این باورند که اقوام، دوستان، گروه‌ها و مراکز مشاوره، حامیان خوب و ارزشمندی هستند و برخی دیگر، دخالت این افراد را دلیل ناتوانی خود به‌شمار می‌آورند؛ چون از دیرباز چنین شنیده‌اند که خانوادهٔ خوب، خانواده‌ای است که مسائالش را خودش حل و فصل کند و اگر جز در مسائل اضطراری، از کسی کمک بگیرد، نشانهٔ آن است که به‌اندازهٔ دیگر خانواده‌ها خوب و موفق نیست. منشأ این تفکر هرچه باشد، متأسفانه هنوز در جامعهٔ ما طرفدارانی دارد. تجربه نشان داده است خانواده‌ای که در پی برقراری روابط سالم و سازنده در میان اعضای خود است، به‌هنگام نیاز باید به افراد باتجربه یا مراکز پشتیبان و مشاوره مراجعه کند.





۱۱.۲.۵. هماهنگ کردن خود با اوضاع و احوال زندگی

زوج‌های موفق با تطبیق دادن خود با وضعیت زندگی، به نوعی تعادل دست می‌یابند. تطبیق‌پذیری، ویژگی مثبتی است که در خانواده‌های موفق در برخورد با مشکلات دیده می‌شود. زوج‌های تطبیق‌پذیر می‌توانند برداشت‌ها و عادت‌های خود را اصلاح کنند تا بتوانند با مشکلات و کمبودهای زندگی کنار بیایند.

۱۲.۲.۵. شناخت حقوق متقابل

شناخت حقوق متقابل و توجه به این حقیقت که پذیرش حقی برای یک فرد، برای طرف مقابل تکلیف‌آور است، زندگی را از زوایای تاریک بیرون می‌آورد و ابعاد و وظایف همسران را روشن خواهد کرد. آگاهی به حقوق و وظایف، خود، مقدمه عمل است و از بسیاری اختلاف‌ها



و درگیری‌ها میان آن دو پیشگیری می‌کند.

تعیین حقوق، روابط را برپایه ضوابط استوار می‌کند و مرز توقع‌ها را مشخص می‌سازد و باعث می‌شود که هر کس، از دیگر افراد خانواده توقعی بیش از اندازه نداشته باشد. همچنین، سبب می‌شود که هر کسی براساس ضوابط، کار و برنامه‌ای را برای خود معین کند و از آن مرز فراتر نرود.^۱

۱۳.۲.۵. تقسیم کار در خانه، براساس ارتباط عاطفی

رفتارهای محبت‌آمیز زن و مرد به هم، نه تنها رضایت خداوند را جلب می‌کند، بلکه برای آن، پاداش در نظر گرفته شده است.^۲ خدمت به زن نیز یکی از اصول تربیتی است که آثار دنیوی و اخروی در پی دارد و عامل به آن را به مقام صدیقین و شهدا می‌رساند و در دنیا و

۱. علی قائمی، خانواده و نقش بنیادین آن، ص ۱۵۲.

۲. محجة البیضاء، ج ۳، ص ۷۰.



آخرت سعادتمند می‌کند.^۱ خدمت‌هایی مانند آب‌دادن به همسر، روشی برای ارتباط عاطفی در خانواده است که در مردان کمتر است و به‌همین جهت، با پاداش، به این کار تشویق شده‌اند.^۲ رابطه زن و شوهر در ارتقای سلامت خانواده و سعادت آن تأثیر مهمی دارد.^۳ از اصول لازم خانواده موفق، تقسیم مناسب و منصفانه مسئولیت‌ها در خانه و خانواده است. تقسیم عادلانه کار در محیط خانواده، خود، نمونه‌ای از رعایت عدالت اجتماعی در نهاد کوچکی از اجتماع است. یکی از عوامل شادابی در تکامل خانواده این است که تعیین مسئولیت‌ها، سبب تقسیم و تخفیف سنگینی بار تکالیف می‌شود و این همکاری متقابل، موجبات تحکیم پیوند مودّت بین زن و شوهر را فراهم می‌آورد. نظر به زندگی حضرت فاطمه علیها السلام نشان می‌دهد که این تقسیم کار

۱. جامع الاخبار، ص ۹۹.

۲. محجة البیضاء، ج ۳، ص ۷۰.

۳. احمد بن حنبل، مسند، ج ۷، ص ۱۹۰۲۵.



در خانه ایشان به نحو احسن انجام گرفته بود. امام باقر علیه السلام فرموده‌اند: «حضرت زهرا علیها السلام کارهای منزل را با حضرت علی علیه السلام این گونه تقسیم کردند که خمیر کردن آرد، نان پختن، تمیز کردن و جاروب زدن به عهده فاطمه باشد و کارهای بیرون از منزل، مانند جمع آوری هیزم و تهیه مواد اولیه غذایی را علی انجام دهد.»^۱ زن و شوهر در خانواده برتر، به تقسیم کاری که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در زندگی مشترک علی و فاطمه علیهما السلام صورت داد، کمال رضایت را دارند و هر کدام، انجام وظیفه کردن در محدوده تعیین شده را برای خود، کاری مقدس و در ردیف جهاد در راه خدا عجل الله تعالی فرجه می‌شمارند. وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله کارها را میان علی و فاطمه علیهما السلام تقسیم کردند، فاطمه علیها السلام در این باره گفتند: «خدا می‌داند که من چقدر از این مطلب خوش حال شدم.» او به تمام وظایف همسری خود عمل می‌کرد: از پاکیزگی و ساده‌پوشی و آرایش و عطر زدن گرفته تا کارهای



منزل و آزاد کردن و نان پختن. حضرت علی علیه السلام می فرمایند: «به خدا سوگند، هرگز فاطمه را به خشم نیاوردم و او را بر کاری مجبور نکردم تا به دیدار خداوند شتافت.»

همکاری شایسته زن و شوهر، از ویژگی های رفتاری خانواده نمونه است. آن دو، بنده خدایند و خود را در برابر او مسئول می دانند و تمام تلاششان در زندگی این است که رضایت خدا عز و جل را جلب کنند. روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از علی علیه السلام پرسیدند: «همسرت را چگونه یافتی؟» گفتند: «خوب یاوری برای اطاعت.» بهترین نوع همکاری این است که زن از لحاظ معنوی و روحی شوهرش را تدارک کند و او را برای حضور در اجتماع تقویت نماید و مرد نیز او را در مسیر بندگی خدا عز و جل دست گیری کند و از او مراقبت و محافظت نماید و خویشتن را در برابر او مسئول بداند.



۵.۲.۴۱. تنظیم رابطه صحیح میان خانواده‌های همسران

دختر یا پسری که از کودکی در دامن خانواده‌ای پرورش یافته است، نمی‌تواند و نباید خانواده خود را به راحتی و به سادگی فراموش کند. احساسات و عواطف هر فرد درباره خانواده‌اش، حتی اگر خاطراتی ناخوشایند نیز داشته باشد، ریشه‌دار و عمیق است. زن یا شوهر نباید از دیگری انتظار داشته باشد که با افراد خانواده خود قطع رابطه کند. همچنین، نباید چنین برداشت کرد که رابطه هر کدام با خانواده خود، دلیلی بر بی‌مهری و بی‌توجهی او به همسرش است. البته این روابط باید به گونه‌ای باشد که خللی به روند زندگی زناشویی وارد نسازد و موجب غفلت یا کوتاهی از انجام دادن وظایف زندگی مشترک نشود. بهتر است زن و شوهر با هم به دیدار خانواده‌های خود بروند؛ اگرچه از نظر روانی لازم است که گاهی زن و شوهر، به تنهایی، با خانواده‌های خود دیدار و زمانی را صرف گفت‌وگوهای خصوصی و خانوادگی کنند.



باید توجه داشت که زن و شوهر بهتر است تا حد امکان از بیان اختلاف سلیقه‌ها یا برداشت‌های خود از خانواده دیگری پرهیزند؛ زیرا هیچ‌کس انتقادهای دیگران را به افراد خانواده خود نمی‌پذیرد. برخی انتقادها باعث بروز واکنش‌های عصبی همراه با مقاومت‌های روانی می‌شود یا موجب ابراز انتقاد و عیب‌جویی متقابل از خانواده دیگری خواهد شد. در برخی مواقع که گمان می‌رود انتقاد یا گله شوهر یا زن از خانواده دیگری درست باشد، باز این احتمال نیز وجود دارد که این انتقاد، ناشی از سوء تفاهم‌ها یا اختلاف فرهنگ دو خانواده باشد.



برای مطالعه بیشتر

۱. سیری در مسائل خانواده، حبیب‌الله طاهری.
۲. همسران برتر، غلام‌علی افروز.
۳. مبانی تحکیم خانواده در نگرش و سنت حضرت زهرا علیها السلام، حائری مازندرانی،
۴. نظام خانواده در اسلام، حسین انصاریان

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.